

سرشناسه: پاپه، ایلان، ۱۹۵۴-م.

Pappe, Ilan

عنوان و نام پدیدآورنده: ده غلط مشهور درباره اسرائیل / ایلان پاپه؛ مترجم وحید خضاب.

مشخصات نشر: قم: کتابستان معرفت، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۳۷-۴۰-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Ten myths about Israel.

موضوع: اعراب فلسطین -- اسرائیل

موضوع: Palestine -- Israel

موضوع: اعراب و اسرائیل -- مناقشات

موضوع: Arab-Israeli conflict

موضوع: فلسطین -- تاریخ

موضوع: Palestine -- History

موضوع: اسرائیل -- سیاست و حکومت

موضوع: Israel -- Politics and government

شناسه افزوده: خضاب، وحید، ۱۳۶۶-، مترجم

رده بندی کنگره: DS۱۲۵

رده بندی دیویی: ۹۵۶/۹۴

شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۹۰۵۳۷



مترجم: وحید خضاب

ایلان پایه (مورخ اسرائیلی)

ده غلط مشهور دربارهٔ اسرائیل

چیزهایی که خیلی‌ها فکر می‌کنند درست است ولی نیست



عنوان: ده غلط مشهور درباره اسرائیل

ناشر: کتابستان معرفت

نویسنده: ایلان پایه (مورخ اسرائیلی)

مترجم: وحید خضیاب

صفحه‌آرایی: حامد عطائی فرزانه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۳۷-۴۰-۸

چاپ: اول ۱۳۹۹

تیراژ: ۱۵۵۰ نسخه

چاپ و صحافی: بوستان کتاب

کتابستان دل‌وار: نیاوران، خیابان باهنر به سمت تجریش، بعد از سه‌راه یاسن، پلاک ۳۱۱ عمارت دل‌وار

تلفن: ۲۲۷۰۸۷۹۵

کتابستان تهران: خیابان انقلاب، خیابان لبافی‌نژاد، بین منیری جاوید و ۱۲ فروردین پلاک ۱۹۱

تلفن: ۶۶۹۶۲۹۵۹ - ۶۶۹۶۲۹۶۰

کتابستان قم: خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه چهارم، پلاک ۲۲۵

تلفن: ۳۱۰۷۴-۰۲۵ / همراه: ۰۹۱۲۶۳۶۶۹۶۲

پایگاه اینترنتی: www.Ketabestan.ir

اینستاگرام: Ketabestan.ir

حقوق چاپ و نشر برای انتشارات کتابستان معرفت محفوظ است.

تقدیم به همسر
برای صلابت مهرورزانه‌اش

وحید

www.Ketab.ir



فهرست

۹	مقدمه مترجم
۱۳	مقدمه نویسنده
۲۲	بخش نخست:
۲۲	افسانه‌هایی درباره گذشته‌ها
۲۳	فصل اول: فلسطین یک سرزمین خالی بود
۳۷	فصل دوم: یهودی‌ها مردمی بدون سرزمین بودند
۵۹	فصل سوم: صهیونیسم همان یهودیت است
۹۱	فصل چهارم: صهیونیسم استعمارگری نیست
۱۰۷	فصل پنجم: فلسطینی‌ها در سال ۱۹۴۸ داوطلبانه وطنشان را ترک کردند
۱۳۹	فصل ششم: جنگ ژوئن ۱۹۶۷ «تنها» گزینه ویک «انتخاب اجباری» بود
۱۶۴	بخش دوم:
۱۶۴	افسانه‌هایی درباره حال حاضر
۱۶۵	فصل هفتم: اسرائیل تنها دموکراسی خاورمیانه است
۱۸۹	فصل هشتم: افسانه‌هایی درباره توافقنامه اسلو
۲۱۱	فصل نهم: افسانه‌هایی درباره غزه

۲۵۸	 بخش سوم:
۲۵۸	 نگاهی به آینده
۲۵۹	 فصل دهم: راه حل تشکیل دو کشور، تنها راه پیش‌روست
۲۶۶	 نتیجه‌گیری
۲۶۷	 اسرائیل، کشور مبتنی بر «استعمار وطن‌گزینانه»، در قرن بیست و یکم
۲۷۲	 خط زمان
۲۷۳	 خط زمان
۲۸۲	 فهرست‌های اعلام
۲۸۳	 اعلام نام‌ها
۲۸۷	 اعلام مکان‌ها
۲۹۱	 اعلام دیگر عناوین خاص



با وجود گفته‌ها و نوشته‌های فراوان در خصوص فلسطین و اسرائیل، هنوز گفتنی‌های فراوانی در این حوزه وجود دارد، خصوصا از زبان کسانی که خود، یهودی یا حتی دارای تابعیت رژیم صهیونیستی هستند ولی جزو منتقدین به سیاست‌ها یا عملکرد این رژیم به حساب می‌آیند. همین مسئله، استدلال‌های آنها را خواندنی‌تر می‌کند. ابلا ن پایه، یکی از همین افراد است. پایه را در سطح جهانی به عنوان مورخی مشهور می‌شناسند. او که خود یهودی و دارای تابعیت اسرائیل است، از نویسندگان پرکار در خصوص تاریخ قضیه فلسطین به شمار می‌رود و در بخش عمده آثار خود، وقایع را با دیدی منصفانه و محققانه نگاه می‌کند. به این ترتیب، حتی فارغ از مذهب و تابعیت او، می‌توان آثارش را جزو بهترین آثار تاریخ‌پژوهانه در این عرصه به شمار آورد. کتابی که در دست شماست، و آخرین کتاب منتشرشده پایه تا این لحظه محسوب می‌شود، یکی از همین آثار محققانه و انتقادی اوست.

نویسنده خود در مقدمه‌ای که نگاشته، توضیحات کافی را درباره کتاب و انگیزه‌های نگارش آن ذکر کرده است، اما یادآوری این نکته ضرورت دارد که در هر حال، او یک «اسرائیلی» است که گرچه نسبت به این رژیم «انتقاد»

می‌کند ولی از بن دندان نسبت به ضرورت ادامه حیات این رژیم اعتقاد دارد و در آثار او هیچ خبری از استدلال برای نابودی این رژیم و بازگشت «بحر تا نهر» فلسطین به «فلسطینی‌ها» به چشم نمی‌خورد. پایه (و افرادی مانند او خصوصاً در غرب) گرچه با فلسطینی‌ها همدلی دارند و به صورت مستند از بد رفتاری‌ها و حتی جنایات این رژیم انتقاد می‌کنند ولی برای راه حل، دو نظر دارند: دسته‌ای از آنها معتقدند که اسرائیل باید فقط مناطق اشغالی ۱۹۶۷ را به فلسطینی‌ها برگرداند و در این مناطق کشوری فلسطینی تشکیل شود (یعنی ادامه حیات مستقل رژیم صهیونیستی در عمده خاک فلسطین) و دسته‌ای معتقدند فلسطینی‌ها و یهودی‌های ساکن در این سرزمین (نه یهودیان قدیمی که قبل از تاسیس این رژیم ساکن منطقه بودند، بلکه مهاجرین و نسل‌های بعدی اشغالگران) باید در کنار هم کشور واحدی تشکیل دهند.

با وجود این نگاه، مطالب «تحقیقی» این افراد، هم ارزش مطالعه دارد، و هم ضرورت مطالعه؛ گرچه طبیعتاً نتیجه‌گیری آنها مورد پذیرش ما (که استدلال‌های قوی و متین تاریخی و حقوقی و شرعی برای لزوم نابودی کامل اسرائیل و بازگشت یهودیان مهاجر و نسل آنها به «کشورهای اصلی خودشان» داریم) نخواهد بود.

درباره ترجمه حاضر نیز چند نکته گفتنی است:

۱- با توجه به نکات پیش‌گفته، طبیعی است که همه مطالب این کتاب مورد تایید مترجم یا ناشر نباشد. با این حال، برای آشنایی مستقیم خواننده با این تفکرات، تمامی متن کتاب بدون هیچ‌گونه حذف، ترجمه شده است.

۲- در بعضی موارد معدود، نسبت به استدلال اشتباه نویسنده تذکراتی در پاورقی ذکر کرده‌ام. البته این بدین معنا نیست که هرکجا پاورقی‌ای ذکر نشده، کاملاً مورد تایید مترجم باشد.

۳- در سراسر کتاب، تمامی پاورقی‌هایی که ارجاع به منبعی دارد، یا با نام

نویسنده آغاز شده، از نویسنده است و هرپاورقی ای که اینچنین نیست، و هر آنچه در متن، داخل قلاب [] آمده، از مترجم است.

۴- در ذکر اسامی شهرها، با توجه به اینکه تقریباً تمامی این شهرها در فرهنگ اسلامی و یهودی، نام‌های متفاوت دارند، برای ارتباط بهتر خواننده، نام مرسوم آن را ذکر کرده‌ایم، به عنوان نمونه به جای اورشلیم از نام قدس و به جای هبرون از الخلیل استفاده کرده‌ایم که در واقع می‌توان آن را مصداق «ترجمه» دانست.

۵- در ضبط اسامی خاص، سعی شد تلفظی که در زبان اصلی آن کلمه یا صاحب نام صورت می‌گرفت در کتاب لحاظ شود.

در خاتمه جا دارد از برادر محمد حقی، مدیر محترم انتشارات کتابستان معرفت که با صبر و حوصله خود زمینه به ثمر رسیدن این ترجمه را فراهم آوردند تشکر کنم.

والحمد لله اولاً و آخراً

قم، آشیانه آل محمد صلی الله علیه و آله

کوچک‌بنده آستان امیرالمومنین

وحید خضاب (عبد‌الأمیر)

۱۹ خرداد ۱۳۹۹



تاریخ، در مرکز و هسته هر درگیری ای قرار دارد. فهم صحیح و بی طرفانه از گذشته، امکان رسیدن به صلح را فراهم می آورد. در مقابل، تحریف یا دستکاری تاریخ، بذر فاجعه می پاشد. چنانکه نمونه درگیری اسرائیل- فلسطین نشان می دهد، اطلاعات غلط تاریخی، حتی درباره گذشته بسیار نزدیک، می تواند آسیب های شگرفی به بار آورد. این کج فهمی عمدی تاریخ، می تواند ظلم و بیدادی را تقویت و رژیم استعمارگر و اشغالگر را محافظت کند.

لذا این غافلگیرکننده نیست که سیاست های کج فهمی [عمدی] و تحریف [تاریخ] تا همین امروز هم ادامه یافته و با ایفای نقشی مهم در استمرار درگیری، امید ناچیزی درباره آینده باقی می گذارد.

مغالطه های ساخته شده درباره گذشته و آینده در اسرائیل و فلسطین، مانع آن می شود که ما اصل و ریشه این درگیری را بفهمیم. در ضمن، دستکاری دائمی حقایق و داده های مربوطه، بر علیه منافع همه آنهایی به کار می رود که قربانی خونریزی و خشونت شده اند که همچنان هم ادامه دارد. وظیفه ما چیست و باید چه کنیم؟

روایت صهیونیستی از تاریخ اینکه چطور سرزمین مورد مناقشه [یعنی فلسطین] تبدیل به «کشور اسرائیل» شد، برپایه یک دسته «افسانه غیرواقعی» بنا شده که به طرز ماهرانه و ظریفی، حق اخلاقی و معنوی فلسطینی‌ها برای سرزمین را مورد تشکیک قرار می‌دهد. غالباً جریان اصلی رسانه‌ای و نخبگان سیاسی غرب، این افسانه‌های غیرواقعی را به عنوان حقایق مشخص [و تشکیک‌ناپذیر] و به عنوان توجیهی برای رفتارهای اسرائیل در طی ۶ دهه اخیر می‌پذیرند.

معمولاً پذیرش ضمنی این افسانه‌های غیرواقعی، به عنوان توضیح و تفسیری برای بی‌ رغبتی حکومت‌های غربی جهت هرگونه مداخله معنادار در این درگیری به کار می‌رود، درگیری‌ای که از زمان پایه‌گذاری کشور تا الان، مستمراً ادامه داشته است.

این کتاب، این افسانه‌ها را (که در فضای افکار عمومی به عنوان حقایقی بی چون و چرا تلقی می‌گردند) به چالش می‌کشد. از دید من، این حرف‌ها، تحریفات و جعلیاتی هستند که می‌توانند - و باید - از طریق بررسی دقیق‌تر اسناد تاریخی رد شوند.

وجه اشتراک [در موضوعات مختلف] این کتاب، کنار هم چیدن [و مقایسه] پندارهای عمومی با حقایق تاریخی است. هر فصل از کتاب با قرار دادن هر کدام از این افسانه‌ها در کنار حقیقت، با محک آخرین تحقیقات تاریخی، نقاط ضعف باورهای پذیرفته شده توسط عموم را نمایان می‌کند. این کتاب از بین تعداد زیادی افسانه، به ده افسانه بنیادین می‌پردازد که هر کس به طریقی با مسائل اسرائیلی-فلسطینی سرو کار داشته، با آنها روبرو شده و بحث مشترک همه آنها بوده است. در ذکر این افسانه‌ها و استدلال مقابل آنها از روش ترتیب تاریخی استفاده کرده‌ام.

فصل اول، فلسطین را در عصر ورود صهیونیسم در اواخر قرن نوزدهم به تصویر می‌کشد. در اینجا، افسانه، فلسطین را به عنوان سرزمینی خالی، بایرو

شبه‌کوپر به تصویر کشیده که صهیونیست‌ها وارد شده و آن را آباد و متمدن کردند. استدلالِ مقابل این افسانه، تصویری از یک جامعه بسیار قدیمی و پررونق را به تصویر می‌کشد که در یک روند پرشتاب مدرن‌سازی و ملت‌سازی [پس از فروپاشی عثمانی] قرار داشت.

افسانه «فلسطین، سرزمین بدون ملت»، یک افسانه دوقلو و مشهور هم دارد که عبارت است از افسانه «یهود، ملت بدون سرزمین» که موضوع فصل دوم را تشکیل می‌دهد. آیا واقعا یهودی‌ها [پیش از تبعید اجباری]، ساکنین [باستانی] فلسطین بودند که شایسته‌اند به هر طریقی شده از «بازگشت» آنها به «وطن‌شان» حمایت شود؟

این افسانه اصرار دارد بگوید که یهودی‌هایی که در سال ۱۸۸۲ [به عنوان اولین دسته از مهاجرین صهیونیست به فلسطین] وارد شدند، نسل [و نوادگان] همان یهودیانی بودند که رومی‌ها در حوالی سال ۷۰ میلادی [پس از محاصره اورشلیم] آنها را از آنجا بیرون کردند. استدلالِ مقابل، این ارتباط تبارشناسانه را مورد تردید قرار می‌دهد. یک اثر پژوهشی بسیار سنگین علمی نشان داده که یهودی‌های «فلسطین روم» در همان سرزمین باقی ماندند و ابتدا به مسیحیت تغییر کیش داده و بعدها هم مسلمان شدند. اینکه یهودی‌های روس و غربی که اواخر قرن نوزدهم به فلسطین آمدند [چه کسانی بودند] و ریشه آنها به کجا برمی‌گردد [هنوز یک پرسش باز] و بدون پاسخ قطعی است، شاید «خزر»‌هایی که در قرن نهم تغییر دین دادند [و یهودی شدند]، و یا شاید هم ترکیبی از نژادهای مختلف در طول هزاران سال، که در هر حال هرگونه پاسخ به چنین پرسشی را غیرممکن می‌کند.

از این مهم‌تر، من در این فصل استدلال کرده‌ام که در دوران پیشاصهیونیسم، ارتباط بین جوامع یهودی در جهان و فلسطین، رابطه‌ای مذهبی و روحی بود نه رابطه‌ای سیاسی. پیوند قائل شدن بین بازگشت یهودی‌ها با تشکیل یک دولت، پیش از ظهور صهیونیسم، تا قرن شانزدهم یک پروژه مسیحی بود و

از قرن شانزدهم به بعد هم به طور مشخص، یک پروژه پروتستان (و به طور خاص تر، یک پروژه انگلیکان)^۱.

فصل سوم به صورت دقیق ترین افسانه که صهیونیسم را با یهودیت یکسان می گیرد مورد بررسی قرار می دهد (اگر این ادعا صحیح باشد، در آن صورت صهیونیسم ستیزی، چیزی نخواهد بود جز یهود ستیزی). تلاش می کنم این برابرنگاری را از طریق برآوردی تاریخی در خصوص نگاه یهودی ها به صهیونیسم و بررسی دستکاری صهیونیستی در یهودیت (ابتدا برای اهداف استعماری و سپس برای اهداف راهبردی [سیاسی]) رد کنم.

فصل چهارم مربوط به بررسی این ادعاست که ارتباط بین استعمارگری و صهیونیسم را رد می کند. این افسانه می گوید صهیونیسم یک جنبش آزادی بخش ملی لیبرال است، در حالی که استدلال مقابل، صهیونیسم را به عنوان [جنبشی] استعمارگر به تصویر می کشد؛ در حقیقت، یک پروژه استعماری وطن گزینانه^۲ شبیه همان هایی که پیش تر هم در آفریقای جنوبی، آمریکا و استرالیا دیده شده بود.

اهمیت رد کردن این افسانه در آن است که این افسانه نشان می دهد ما چگونه درباره مقاومت فلسطین در برابر صهیونیسم و آینده اسرائیل می اندیشیم.

۱. در قرن شانزدهم میلادی و در پی اختلافات سیاسی ای که بین حاکمیت انگلستان با کلیسای کاتولیک رم به وجود آمد، پادشاهی انگلستان با انشعاب از کلیسای کاتولیک، دست به ایجاد یک فرقه مجزای مسیحی به نام انگلیکان زد که راهبری مذهبی آن را «کلیسای انگلیکان» بر عهده دارد. به این ترتیب، مسیحیت انگلیکان، در کنار مسیحیت کاتولیک، پروتستان و ارتدکس، یکی از شاخه های اصلی مسیحیت امروز محسوب می شود که مرکز آن در انگلستان قرار دارد و در هر عصری، رهبری عالی آن بر عهده پادشاه یا ملکه وقت بریتانیا است.

۲. در ادبیات سیاسی فارسی، معمولاً با واژه شهر نشین یا شهرک های صهیونیستی مواجه می شویم اما این کلمه، بار معنایی دقیقی ندارد و ترجمه کاملی نیست چرا که افراد عادی که در شهرک های سکونت دیگر کشورهای جهان ساکن می شوند را نیز می توان «شهرک نشین» خواند. از نظر فلسفه سیاسی (و حتی ادبیات سیاسی در دیگر زبان ها)، این افراد به وطن دیگران آمده اند و با ایجاد «مستعمره نشین» در آنها، می خواهند آنها را به عنوان «وطن خود» نشان دهند. به همین جهت می توان به آنها «وطن گزین» و به آن مناطق، شهرک های وطن گزینانه گفت. چنانکه در زبان عربی هم از واژه های «استيطان» «مستوطن» استفاده می شود. در این کتاب نیز به جای استفاده از کلمات «سکونت گزین» یا «شهرک نشین» که نمی توانست به خوبی مفهوم را منتقل کند، از همین واژه ها استفاده کرده ایم.

اگر اسرائیل چیزی نیست جز یک کشور دموکراتیک که از [موجودیت] خودش دفاع می‌کند، در آن صورت ساختارهای فلسطینی از قبیل ساف، چیزی نخواهند بود جز گروه‌های تروریستی خالص. در مقابل، اگر نبرد این گروه‌ها نبردی در برابر یک پروژه استعمارگرانه است، در آن صورت آنها جنبش‌های ضد استعماری هستند و تصویر بین‌المللی‌شان بسیار متفاوت از چیزی خواهد بود که حامیان اسرائیل تلاش دارند به افکار عمومی جهان غالب کنند.

فصل پنجم نگاه مجددی دارد به افسانه‌های مشهور درباره [وقایع و جنگ] سال ۱۹۴۸، و می‌خواهد به صورت مشخص به خواننده یادآوری کند چطور ادعای مهاجرت داوطلبانه فلسطینی‌ها [از وطن و خانه‌هایشان]، کاملاً با تاریخ پژوهی حرفه‌ای رد شده است. دیگر افسانه‌های مربوط به حوادث سال ۱۹۴۸ هم در همین فصل به بحث گذاشته شده‌اند.

آخرین فصل تاریخی، فصل ششم، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا اسرائیل «مجبور» به [راه‌اندازی] جنگ ۱۹۶۷ شد و در نتیجه، این جنگی بود که می‌شود آن را «تنها گزینه» خواند یا نه. من در این فصل ادعا کرده‌ام که این جنگ، بخشی از تمایل اسرائیل برای تکمیل جنگ‌اندازی بر فلسطین بود که تقریباً در جنگ ۱۹۴۸ کامل شده [ولی بخش‌هایی از آن نظیر کرانه باختری باقی مانده] بود. طراحی اشغال کرانه باختری و باریکه غزه در همان سال ۱۹۴۸ آغاز شد و هیچ‌گاه هم کنار گذاشته نشد تا وقتی که فرصت تاریخی اجرای آن، با یک تصمیم بدون ملاحظه مصری‌ها در ژوئن ۱۹۶۷ فراهم آمد. از این گذشته، استدلال کرده‌ام که سیاست‌های اسرائیل بلافاصله بعد از اشغال [کرانه باختری و غزه در جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷] ثابت می‌کند که اسرائیل انتظار جنگ را داشته و در آن پیش‌دستی کرده، نه اینکه ناگهان و با بهت طی حادثه‌ای به جنگ کشیده شده باشد.

فصل هفتم، ما را به زمان حال می‌آورد. آیا اسرائیل یک کشور دموکراتیک است یا یک موجودیت غیردموکراتیک؟ من برای اثبات دومی، وضعیت

فلسطینی‌های داخل اسرائیل و داخل مناطق اشغالی را (که مجموعاً حدود نیمی از جمعیت تحت حاکمیت اسرائیل را تشکیل می‌دهند) بررسی کرده‌ام. فصل هشتم، به [بررسی] روند اسلو می‌پردازد. پس از گذشت حدوداً ربع قرن از زمان امضای این توافقنامه، ما حالا چشم‌انداز خوبی درباره مغالطه‌های مربوط به این روند داریم و می‌توانیم بپرسیم آیا این توافقنامه، یک توافقنامه صلح بود که به شکست انجامید یا اقدامی اسرائیلی بود برای تعمیق اشغالگری؟

همین دیدگاه را امروز می‌توان درباره باریکه غزه و افسانه‌ای که به طرز گسترده‌ای مورد پذیرش قرار دارد هم مطرح کرد، افسانه‌ای که می‌گوید فقرو فلاکت مردم آنجا ناشی از ماهیت تروریستی حماس است. در فصل نهم، من حرفی متفاوت [با این افسانه] زده‌ام و تفسیر دیگری درباره آنچه از پایان قرن گذشته تا کنون در غزه رخ داده ارائه کرده‌ام.

نهایتاً هم در فصل دهم، این افسانه را که می‌گوید راه حل برپایی دو کشور، تنها راه پیش‌رو است به چالش کشیده‌ام. از بخت خوش، یک سری فعال درجه یک و یک سری کارهای پژوهشی عالی در اختیار داریم که این فرمول را نقد و راه‌حل‌های جایگزینی ارائه کرده‌اند. اینها، چالش مهیبی برای این آخرین افسانه به شمار می‌روند.

این کتاب به عنوان ضمیمه، یک «خط زمان» هم دارد که به خوانندگان کمک می‌کند پس‌زمینه‌ای برای درک بهتر استدلال‌ها به دست آورند.

امید من این است که این کتاب ابزار مفیدی برای خواننده خواهد بود، چه تازه قدم به این عرصه گذاشته باشد و چه از محققین باسابقه آن به شمار برود. این کتاب در درجه نخست برای تمام کسانی است که خود را وسط بحث‌های همیشه جاری درباره سوالات پیرامون اسرائیل-فلسطین می‌بینند. این یک کتاب متوازن نیست [که بخواهد هر دو طرف را مساوی ببیند]، بلکه تنها تلاش دیگری است برای تصحیح توازن قدرت برای فلسطینی‌های استعمار شده، تحت اشغال قرار گرفته، و زیر ظلم و ستم در سرزمین اسرائیل

و فلسطین. یک دستاورد واقعی خواهد بود اگر مدافعین صهیونیسم یا حامیان وفادار اسرائیل هم حاضر شوند به استدلال‌هایی که در این کتاب آمده پاسخ دهند. از همه اینها گذشته، این کتاب را یک یهودی اسرائیلی نوشته که همانقدر که به جامعه فلسطینی‌ها اهمیت می‌دهند برای جامعه خودش هم اهمیت قائل است.

رد کردن افسانه‌هایی که بی‌عدالتی را برپا نگه می‌دارند، به نفع تمام کسانی خواهد بود که در این کشور زندگی می‌کنند یا می‌خواهند در آن زندگی کنند. این، بنیانی را شکل می‌دهد که براساس آن، تمامی ساکنین این کشور بتوانند از دستاوردهای عظیمی که امروز فقط یک گروه خاص از آن بهره‌مند هستند، استفاده کنند.

علاوه بر اینها، امیدوارم که این کتاب ابزار مفیدی باشد برای فعالانی که تصدیق می‌کنند داشتن دانش درباره فلسطین، به اندازه تعهد به آرمان [فلسطین] ارزشمند است.

این کتاب جایگزینی برای آثار [عالی و] باورنکردنی‌ای که در طول سالیان [دراز] توسط پژوهشگران متعدد نگاشته شده، و اساساً با نگارش آنها بوده که تولید کتابی مانند کتاب حاضر ممکن شده، نیست بلکه دروازه ورودی است به آن جهان دانش.

این کتاب شاید برای دانشجویها و پژوهشگران مفید باشد، به شرطی که بتوانند خود را از دست بزرگترین بیماری جهان آکادمیک در دوران ما خلاص کنند: این نظریه که تعهد داشتن پژوهشگر، از ارزش پژوهش علمی او می‌کاهد. بهترین دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشدی که تا کنون داشته‌ام و از تدریس به آنها و راهنمایی و نظارت پایان‌نامه‌هایشان لذت برده‌ام، دانشجویان متعهد بوده‌اند.

این کتاب، تنها یک دعوت متواضعانه از محققین و اساتید آینده است که از برج‌های عاج خود بیرون بیایند و دوباره با مردم جوامعی که اصلاً

تحقیقاتشان را برای آنها انجام می دهند مرتبط شوند. اساتید چه درباره گرم شدن زمین بنویسند، چه درباره فقر و چه درباره فلسطین، باید علاوه بر جامعه آکادمیک، لباس تعهد هم به تن کنند. و اگر دانشگاه‌های [محل تحقیق و تدریس] آنها هنوز برای چنین مسئله‌ای آمادگی ندارد، آنها باید آنقدر زرنگ و فهیم باشند که بازی «تحقیق بی طرفانه، واقع گرایانه و آکادمیک» را در خصوص این موضوعات بحث برانگیز در پیش بگیرد درحالی که به خوبی، ظاهر دروغین این مسئله را می شناسند.

برای خوانندگان عمومی هم این کتاب، یک روایت ساده از موضوعی است که اغلب به نظر می رسد به شدت پیچیده باشد (که البته بعضی از وجوه آن واقعا هم بسیار پیچیده اند)، اما در واقع، موضوعی است که به سادگی می توان آن را از چشم انداز جهانی عدالت و حقوق بشر، توضیح داد و تشریح کرد.

در نهایت، امیدوارم که این کتاب بتواند بعضی از اشتباه فهمی های عمیقی که (چه در گذشته و چه در حال حاضر) در قلب معضل اسرائیلی-فلسطینی قرار داشته و دارد را آشکار کند. تا زمانی که کسی در این تحریفات و پیش فرض هایی که همینطور از نسلی به نسل بعد به ارث می رسد، تشکیک نکند و درباره آنها سوالی نپرسد، اینها یک سپر مصونیت بخش برای رژیم غیرانسانی ای که در حال حاضر در خاک فلسطین بر سر کار است فراهم خواهد آورد.

با سنجش این فرضیات، در پرتوی نتایج آخرین تحقیقات، می توانیم ببینیم که این فرضیه ها تا چه حد از حقیقت تاریخی دورند و چرا می توان گفت که بیان حقایق تاریخی ای بسا در امکان دستیابی به صلح و آشتی در اسرائیل و فلسطین تاثیر خواهد داشت.